

## هیچ مشکلی در ارتباط با وفاداری شهروندان

### و حمایت آنها از دولت نداریم



□ آقای نخست وزیر، کشور شما ۲۳ سال درگیر جنگ، ناآرامی و هرج و مرج بوده است. در این شرایط دولت شما باید شرایط لازم را برای بازسازی افغانستان فراهم آورد. در حالی که هنوز بخش هایی از افغانستان درگیر جنگ و حالت فوق العاده است. به راستی شما چه حد اوضاع را در افغانستان تحت کنترل دارید؟

■ واقعیت آن است که مردم افغانستان به دنبال صلح هستند و از این رو دولت می تواند، از کمک و مشارکت سازنده آنها بهره مند شود. از این رو هیچ مشکلی در ارتباط با وفاداری شهروندان و حمایت آنها از دولت نداریم. اما باید پذیرفت که شرایط کناری ما در افغانستان فوق العاده دشوار است.

□ می توان گفت که شما تاکنون صرفاً در حد حاکم «کابلستان» ظاهر شده اید. بسیاری از دولتمردان پیش از شما نیز در گذشته با چنین شرایطی دست به گریبان بودند. حتی شاه سابق افغانستان هم هیچ گاه کنترل تمام کشور را در اختیار نداشت و انقلابی ها تحت اتحاد جماهیر شوروی سابق هم اصلاً نتوانستند حاکمیت خود را به تمام افغانستان بسط دهند.

■ اگر منظور شما وجود جنگ سالاران در افغانستان و تقابل آنها با یکدیگر است، باید بگویم که همه آنها مراتب وفاداری خود را به دولت موقت افغانستان اعلام کرده اند. حتی ژنرال عبدالرشید دوستم از مزار شریف و اسماعیل خان اعلام وفاداری کرده اند. اسماعیل خان حاکم هرات این روزها از دست من دلخور است. زیرا تاکنون نتوانسته ام سه بار دعوت او را برای سفر به هرات اجابت کنم.

حامد کرزی ۴۴ سال پیش در منطقه کمارس واقع در جنوب افغانستان به دنیا آمده، خانواده او از قبایل پشتون هستند. پدر بزرگ حامد کرزی در دوران ظاهر شاه رئیس مجمع ملی بود. پدرش در سال ۱۹۹۹ به شهادت رسید، به احتمال بسیار طالبان پدر او را در پاکستان ترور کردند. حامد کرزی در یکی از دانشگاه های هند در رشته سیاست خارجی تحصیل کرد و آنگاه به عنوان تاجر به ایالات متحده رفت. پس از عقب نشینی روس ها از افغانستان حامد کرزی در دولت مجاهدین افسان به عنوان معاون وزیر امور خارجه خدمت کرد و پس از آن در سال ۱۹۹۴ از افغانستان خارج شده و به پاکستان رفت.

حامد کرزی رئیس دولت موقت افغانستان در گفت وگویی با خبرنگار اسپیکل دیدگاه های خود را در باره بازسازی افغانستان، تلاش برای یافتن تروریست ها و آینده کشورش تشریح کرده است. بر گردان این گفت و گو پیش روی شماست.





□ اما حاکم قندهار ظاهراً هرکاری که بخواهد انجام می دهد. این شهر زمانی مرکز اصلی طالبان بود. حاکم قندهار چندی پیش به طور خودسرانه ملاترایی وزیر دادگستری طالبان را آزاد کرد.

■ من گل آقا حاکم قندهار را خوب می شناسم و هر روز تلفنی باهم تماس داریم.

□ اما اختلافاتی نیز میان شما بروز کرد. وزیر امور خارجه شما اظهار داشت: بنیادست ملاترایی آزاد می شد. آمریکایی ها هم موضع مشابهی داشتند.

■ همه چیز در این باره تحریف شده است. خود ما ملاترایی را دستگیر نکردیم. بلکه او خودش را تسلیم فرماندار قندهار کرده بود. او اطلاعات بسیار مهمی در اختیار ما قرار داده است و آزادی وی نیز با هدف خاصی صورت گرفته است.

□ به نظر می رسد شناسایی از جاسوسان طالبان اطلاعات مهمی در اختیار دارند و می توانند در قبال ارایه این اطلاعات آزادی خود را به دست آورند. ولی به هر حال باید دانست که ملاترایی از سران طالبان بود و حتی نقش مهمی در تخریب مجسمه های بودا داشت.

■ شکی در این وجود ندارد که ملاترایی مهره ای نامطلوب بود، اما مسایل مهم تری نیز خود دارد. ما دلایل قانع کننده ای داشتیم که با او وارد مذاکره شویم.

شاید به این دلیل که قصد دارید اطلاعاتی در باره ملا محمد عمر یا بن لادن به دست آورید؟

من فعلاً نمی توانم در این باره اظهار نظر کنم.

□ اینکه ملا محمد عمر تا به امروز توانسته است مخفی بماند، حاکی از آن است که هنوز طرفداران قابل توجهی دارد.

■ اصلاً چنین نیست. در دوران حاکمیت طالبان هیچ عکسی از او منتشر نشد. افغان ها با چهره او آشنا نیستند. ملا محمد عمر آقای بسود. او اکنون می تواند بدون اینکه شناخته شود در کوچه و خیابان های کابل قدم بزند اما ما همچنان به تلاش خود برای شناسایی و یافتن او ادامه می دهیم.

□ آخرین بار در کجا اطلاعاتی او به دست آوردید؟

■ در استان هلمند ما پلافاصله نیروهای خود را روانه کردیم. ولی او از آنجا رفته بود.

□ آمریکایی ها هم اکنون اهدافی را در منطقه خوست واقع در شرق افغانستان بمباران می کنند. آیا ممکن است ملا محمد عمر در آنجا باشد؟

■ نه خیر. در آنجا به اعراب و اعضای القاعده حمله می شود.

□ شاید هم خود بن لادن آنجا باشد؟ یا اینکه او از افغانستان خارج شده است؟

■ اگر می دانستیم او کجاست. دستگیرش می کردیم. اما ما چیزی از محل اختفای او نمی دانیم.

□ بر اساس شایعه های تازه احتمال دارد، بن لادن در بخش پاکستانی کشمیر مخفی شده باشد.

■ من چیزی نمی دانم. ولی امیدوارم این طور باشد.

□ در جریان حملات آمریکایی ها برخی از غیر نظامیان افغان هم جان خود را از دست داده اند. این مسئله ممکن است موجب شود، از میزان طرفداران دولت شما کاسته شود.

■ اشتباه می کنید. افغان ها می مانند، از شر تروریست ها برای همیشه خلاص شوند. آنها حاضرند در این راه قربانیان زیادی هم بدهند خود من این مسئله را در استان ارزگان تجربه کرده ام.

□ شما در آن زمان سرگرم سازماندهی مردم در استان ارزگان بودید و نزدیک بود به سرنواشت دوست خود نان عبدالحق دچار شوید که توسط طالبان کشته شد.

■ به هر حال در آن زمان یک چوپان محلی به من پناه داد و علی رغم آنکه به شدت تحت فشار طالبان بود، من را افشا نکرد.

□ اما شاید همه افغان ها در باره آمریکا این چنین فکر نکنند.

■ متأسفانه جنگ با تروریسم قربانیان بسیاری بر جای گذاشته است. اما ما آماده ایم که بهای سنگین مبارزه با تروریسم را بپردازیم. یک مرد عرب به نام اسامه بن لادن عملاً به دولت افغانستان تبدیل شده بود. او پول در اختیار طالبان قرار می داد و اجازه داشت افغانستان را نابود کند. اما اکنون شرایطی فراهم آمده است که ما می توانیم یک بار دیگر زندگی توأم با سر بلندی و عزت داشته باشیم.

هنگام آغاز عملیات نظامی و بمباران آمریکایی ها در ماه اکتبر گفته می شود که طالبان حدود چهل و پنج هزار سرده مسلح در اختیار دارند.

اغلب آنها مزدوران خارجی و تندروهای عضو شبکه القاعده به رهبری بن لادن بودند.

□ هزاران تن از جنگجویان طالبان کشته شدند و صد ها تن دیگر در اسارت آمریکایی ها هستند. بقیه آنها کجا هستند؟

■ مبارزان ساده طالبان به روستاها و نزد خانواده خود باز گشتند. آنها هیچ ارتباط با تروریسم و تروریست ها نداشتند. حدود چهل تا پنجاه تن از رهبران طالبان که مسئول ظلم و ستمی بودند که در حق مردم افغانستان روا می شد، اکنون متواری هستند. پانزده تن از آنها بیشتر از بقیه تحت تعقیب هستند. ما آنها را دستگیر خواهیم کرد و آنها باید پاسخگوی اعمال خود باشند.

□ آیا در افغانستان به اتهام های آنان رسیدگی می شود یا در دادگاه های ویژه آمریکا؟

■ ما امکانات لازم را در کشور خود برای مجازات این افراد نداریم. کشور ما عملاً ویران شده است. فراموش نکنید که رهبران نازی ها هم در دادگاه بین المللی نورنبرگ محاکمه شدند. میلو سوویچ در لاهه محاکمه می شود. به هر حال فرقی ندارد که این افراد در کجای محاکمه می شوند. مسئله این است که آنها تبهکاران بین المللی هستند و جامعه جهانی نیز از امکانات بهتری برای مجازات آنها برخوردار است.



است. پس از اشکار شدن عزم ایالات متحده برای حمله به افغانستان، جبهه متحد شمال از ایران خواست تا جلوی تحرکات حکمتیار را بگیرد. به نظر می‌رسد که از آن زمان به بعد حکمتیار در تهران تحت بازداشت خانگی قرار گرفته است. آینده حکمتیار را چگونه می‌بینید؟

■ نظر شما در این خصوص درست است که ما از ایرانی‌ها خواستیم تا به حکمتیار اجازه مشکل آفرینی در افغانستان را ندهند. البته ما این کار را به طور غیر رسمی انجام دادیم. من متقدم حکمتیار در کشور ما جنایاتی مرتکب شده است و زمانی که چارچوب حقوقی و قانون اساسی در افغانستان ایجاد شود باید با مواردی مانند جنایات حکمتیار برخورد شود. □ آیا این احتمال وجود دارد که شما تقاضای استرداد وی از ایران را مطرح کنید؟

■ اگر سیستم قضایی ما روند حرکت مناسب خود را پیدا کند، چنین احتمالی وجود دارد.

□ در حال حاضر حکمتیار حق ورود به افغانستان را ندارد؟  
■ وی می‌تواند داوطلبانه به افغانستان باز گردد و با عدالت روبه‌رو شود.

□ شما نقش محمد ظاهر را در آینده چگونه می‌بینید؟  
■ وی یک چهره ملی، مورد احترام و مهم است که می‌تواند در تأمین وحدت ملی کشور ایفای نقش کند. در مورد نقش دقیق وی، این بحث مانند مباحث دیگر به تصمیم ملت افغانستان بستگی دارد.

□ تمایل شخصی شما در خصوص شکل و نوع حکومت نهایی در افغانستان چیست؟

■ البته لویه جرگه (مجمع بزرگان) در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد، اما تمایل شخصی من در خصوص نوع حکومت نهایی در افغانستان این است که مدیران محلی نقش بیشتری ایفا کنند. می‌توانم بگویم که نسبت به استقرار حکومت جمهوری در کشور تمایل دارم، چرا که در این مدل هرازگاهی انتخاباتی برگزار می‌شود و حقوق فردی و اجتماعی مورد احترام است.

□ روسای محلی و جنگ سالاران چگونه؟ آیا آنان می‌توانند در این سیستم نقشی بر عهده بگیرند؟

■ ما باید در جهت حرکت کنیم که بنیان‌های جامعه مدنی ایجاد و تثبیت شود، جایگاه جنگ سالاران مشخص است و در ضمن تعداد آنها چندان زیاد نیستند. برخی از این افراد می‌توانند دولت جدید را بسازند و برخی می‌توانند در نیروهای مسلح جدید و پلیس و ارتش ملی جذب شوند. دیگران می‌توانند به روش‌های دیگر جذب شوند. آنچه مهم است این نکته است که زمان جنگ سالاری به پایان رسیده است و زمان برای بودن در مقام یک شهروند برخوردار از حقوق برابر فرا رسیده است.



□ آیا فکر می‌کنید برای تغییر روابط با تهران تحت فشار قرار دارید؟  
■ ما تا کنون فشاری در این خصوص احساس نکرده ایم.

□ به نظر می‌رسد دولت بوش ظرف چند روز گذشته در مسیر رویارویی با ایران گام نهاده است. دولت موقت افغانستان در صورت حمله ایالات متحده به ایران چه موضعی اتخاذ خواهد کرد؟

■ از نقطه نظر ما هر گونه تنش در منطقه بر ما تأثیر مستقیم خواهد داشت و تأثیر منفی بر ثبات کشور ما بر جای می‌گذارد. از طرف دیگر روابط خوب میان ایالات متحده و ایران به نفع ماست.

□ در صورت بروز خصومت میان دو کشور، آیا افغانستان آماده وساطت هست؟

■ اگر هر دو دولت از ما بخواهند، خوشحال خواهیم شد که میان آنان میانجیگری کنیم.

□ آیا غیر مفر حامد کرزای به ایران در آینده بسیار نزدیک واقعیت دارد؟

■ بله، درست است.

□ آیا آقای کرزای حامل پیام ویژه‌ای از سوی ایالات متحده برای تهران خواهد بود؟

■ در حالت کلی خیر. اما ما آماده ایم که برای هر دو طرف مقید عمل کنیم.

□ کنوانسیون ژنو برای زندانیان جنگی مقررات و قواعد ویژه‌ای وضع کرده است. شماری از زندانیان افغان در پایگاه گوانتانامو در کوبا نگهداری می‌شوند. آیا فکر می‌کنید قواعد کنوانسیون ژنو شامل حال این افراد می‌شود؟

■ از نظر ما این افراد تروریست و جنایتکار جنگی هستند. بدیهی است که تروریست بودن با زندانی جنگی بودن فرق دارد. ما خواهان این هستیم که برخورد با زندانیان دارای تابعیت افغانی متناسب با جنایت و جرم آنها باشد، عادلانه و متصفانه. بنابراین ما دلیلی برای اعتراض به برخورد کنونی با آنان نداریم.

□ شماری از رهبران رژیم سابق (طالبان) به تازگی در پاکستان دور هم جمع شده‌اند. آنان اعلام کرده‌اند که از سیاست‌های سابق (طالبانی) قاصد گرفته‌اند. نظر شما در این خصوص چیست؟

■ تمام این افراد جنایتکاران جنگی هستند. ما موضع خود در این رابطه را در منطقه و مجامع بین‌المللی به طور شفاف مطرح کرده ایم. این جنایات در داخل افغانستان انجام شد و مرتکبان این جنایات نیز باید در همین کشور یا عدالت روبه‌رو شوند.

□ گلبدین حکمتیار از جمله جنگ سالاران مهم در عرصه افغانستان



# اهل حق را مشکل اندر مشکل است

گفتگو با وزیر اطلاعات و کلتور افغانستان

محترم دکتر سید مخدوم رهین



تهیه کننده: ن. دانشیار

□ بعد از جنگ طولانی مخصوصاً بعد از دوره تاریک طالبان ما با کمبودات فراوان در عرصه مطبوعات مواجه هستیم. جناب عالی برای بسط و توسعه مطبوعات و همگانی ساختن اخبار و مجلات و با دسترسی مردم به این منابع اطلاعاتی چه اقداماتی را روی دست دارید؟

■ ما به درجه اول باید به حد عادی پرسم تا بعداً به انکشافات جدید بیندیشیم. در حال حاضر که تمام زیر بنای حیات مادی و معنوی و اجتماعی ما نابود شده - ما در صدد احیای حداقل چیزیکه بود، هستیم. اگر مجال بود طبعاً شگوفایی بیشتر هم در امر مطبوعات و هم در سایر زمینه ها رونما خواهد گردید.

□ نظر به این که ما در یک برهه حساس از کشور خود قرار داریم فکر می کنیم که ما بطرف جامعه آزاد و دموکرات گام برمی داریم. آیا می توانیم در آینده به یک مطبوعات آزاد و مستقل ابدوار باشیم؟

■ از همین اکنون به شما موده میدهم که مطبوعات آزاد میتوانند روی خود را باز کنند بسوی مردم و همچنان آزادی بیان از همین حالا قابل رعایت است و در آینده، آزادی مطبوعات مسلماً با بازگشت مهاجرین و عادی شدن روال زندگی در شهرهای افغانستان، مثل دهه دموکراسی از سر گرفته خواهد شد و در این راستا دوره موقت تمام اهتمام خود را بعمل خواهد آورد.

□ در دوران حکومت موقت چی اصول و مقررات اجتماعی نافذ است؟

■ قوانین موجود حاکم بر اساس اجلاس بن، قانون اساسی سال ۱۳۵۳، پنی دهه دموکراسی است البته منهای فصل مربوط به سلطنت، در سایر موارد خصوصاً ارزشهای مبتنی بر دموکراسی، حقوق زن یعنی تساوی حقوق زن و مرد و احترام به کرامت فرد و رعایت آزادی های اجتماعی همه نشأت می کند از همین قانون، یعنی قانون اساسی سال ۱۳۵۳ بر اساس مصوبات بن، البته با حذف بخش مربوط به سلطنت.

□ یا تشکر از

استاد گرامی، سوال اول ما از جناب عالی ایست که، بزرگترین چالش های جامعه افغانی را بعد از جنگ،

در چی می دانید؟

■ ما مشکل بسیار داریم به قول علامه ابوالاعلیٰ دینوری مشکل اندر مشکل است.

اداره موقت فقط برای برداشتن نخسین گام ها در راه مشکلات بی شمار قدم گذاشته است. و گمان می کنم که این دوره فقط آغازی خواهد بود برای رفع مشکلات فراوان جامعه اینکه ۲۳ سال در جنگ پی هم زندگی کرده، نسلی که از لای خون و خاکستر برخاسته، مردمیکه چیز صدای تفنگ چیزی نشنیده اند، هزار مشکل مادی و معنوی دارند.

از فقر و گرسنگی گرفته تا بیماری ها و ناانجاری های روانی.

□ من فکر می کنم برای یک سلسله تغییرات عمده، به کارهای زیر بنائی نیازمندیم. به عقیده جناب عالی مطبوعات و رادیو و تلویزیون در این راستا چی نقش را میتواند ایفا کند؟

■ رادیو و تلویزیون نقش بسیار عمده و اساسی دارد. مخصوصاً تجدید تربیت نسلی که جز جنگ با چیز دیگر آشنا نبوده اند.

در تحکیم وحدت ملی مردم افغانستان، در تقویت روحیه همبستگی بین مردم افغانستان و در سایر مسائل، شما میدانید که در سالهای استیلای توحش در افغانستان، هنر به معنی واقعی اش نابود شده.

بنابراین زنده ساختن دوباره هنر - خود مساله ای است که ایجاب تلاش های فراوان را می کند. بخش های مختلفی که مربوط به وزارت اطلاعات و کلتور است هر هنری بوده، چه موسیقی، چی تئاتر، چی سایر هنرها. روی هم رفته به تمام معنا منهدم شده است. احیای هنر در این سرزمین نیاز به تلاش های فراوان دارد. ما شاید بتوانیم که نخسین گام ها را در این راه برداریم.





(مصاحبه با محترم حاجی میر عبدالخالق)

# شهر هرات

کاملاً

آرام است

○ قبل از

این پیروزی ها ما و شما

شهادت انجنیر احمد شاه

مسعود را داشتیم در آن مورد هم

شما ممکن است خاطرات و صحبت های



داشته باشید هنگام شنیدن خبر شهادت شان، در شهر، مردم، مجاهدین چه واکنشی داشتند و شخصاً خود تان چه احساسی داشتید؟

● مردم هرات بخصوص مجاهدین هرات با علاقه ای که به سردار عالی جهاد برادر احمد شاه کبیر، احمد شاه عزیز، احمد شاه شهید داشتند، بهمجردیکه از شهادت برادر شنیدند خانه ای نبود که گریه در آن نباشد. روزیکه شهادت آمر شهید مسعود عزیز از رادیو شنیده شد، در اکثر خانه ها، اکثر جاها آدم مشاهده میکرد، که اشک مردم می ریخت. ختم

## گزارشگر: نقیب بادغیسی

○ جناب حاجی میر صاحب! اول از خود

تان می‌خواهیم بیشتر بشنوم و از سالهای طالبان...

● بعد از سقوط حکومت مجاهدین، که طالبان

در هرات مسلط شدند من مدت شش ماه در بند طالبان بودم

که شش نفر پهره دار حتی تمام اعمال مرا کنترل می کردند و در

مدت ۶ سال که طالبان در هرات حکومت کردند، من حدوداً سی مرتبه

زندانی شدم که در این مدت شکنجه های جسمی و روحی زیادی را

تحمل کردم؛ حملات بسیار زشت و ناروایی هم از آنها زیاد شنیدم. دیگر

همین بود که آخرین بندیگری من هم وقتی بود که خیر الله خیر خواه

جلسه ای گذاشته بود و در آنجا علمای بسیار زیادی بودند، من

مشروعیت حکومت مجاهدین و تجاوزات طالبان را که در این مدت ها از

نزدیک مشاهده کرده بودم- هنگامیکه از من صحبت خواستند- بیان کردم

که دوباره مرا به زندان بردند، گفتند، برای ما توهین کرده ای و آنچه که

تو گفتی غلط ما بوده است. بعد از آن مشایخ و علمای هرات سزده شان

رفتند و مرا آزاد کردند. این بود که خدا میخواست پشایرخ ۱۴ عقرب

۱۳۸۰ خورشیدی قیام مردمی، مردم پررور شهر هرات به وجود آمد و

حکومت طالبان خاتمه یافت.

○ اگر بیشتر در مورد بدست گرفتن هرات توسط نیروهای مردمی

و بسیج شدن مردم و نقش خود تان در این زمینه توضیحی بدهید؟

● گرچه حدود ۶ ماه پیش از سقوط طالبان ما به اساس هدایتی که

حاجی امیر صاحب محمد اسماعیل خان داده بودند شوراها را در شهر

تشکیل کردیم و همان شوراها در زمینه تدویر افکار مردم کار فراوانی

کردند ۶ ماه قبل از سقوط طالبان ما یک شورای ۵ نفره مشورتی را بکار

انداختیم. در آن شورا برادران ممیزی بودند و کار های بسیار خوبی

داشتند که در همین راستا توانستند به مردم انگیزه ای بیشتر بدهند. هر

شورا چند شورا و افرادی زیادی را زیر پوشش داشت که در رأس این

شورا ها یک شورای ۵ نفری بود.

○ امنیت خود شهر و ولسوالی های مربوط هرات آیا تامین شده و

آیا ارتباط شما با ولسوالی ها برقرار است؟ همچنان ولایاتی که به حوزه

جنوب غرب مربوط می شدند.

● در تمام ولسوالی های پانزده گانه ولایت هرات سر پرست ها و

قواتدان ها انتخاب شدند، امنیت تامین است. اگر کسی شکایتی داشته

باشد، به شکایت شان رسیدگی می شود و هیچ نوع مشکل امنیتی ما در

هرات نداریم که همه ژورنالیست ها بیکه این جا آمدند مشاهده کردند و

شما هم از نزدیک مشاهده می کنید که الحمد الله شهر هرات یک شهر



های قرآن عظیم الشان، دعاها، درود ها، حتی اجتماعاتی در مساجد پیاس آن شهید همیشه جاوید برگزار شد. من به شما گفته میتوانم آنقدر قلب های مردم رنجیده شد، آنقدر در مردم تأثر و تأسف بود که بیان تا پذیر است و هنوز هم در بسیار مجالسی که هست شما بروید، با مردم صحبت کنید متوجه خواهید شد که چقدر مردم از این ضایعه شمتاک و اندوهگین اند، حتی من قصه ای برای شما بگویم که یک پیره زن خیلی فقیر مقداری حلوا پخته بود - در منطقه نو آباد - شام به درب مسجد آورده بود، از او پرسیدند که این حلوا را به چی خاطر آورده ای؟ گفته بود: شما خبر ندارید که احمد شاه مسعود شهید شده است؟ من این حلوا را بخاطر او آوردم؛ در آن مسجد طالبان هم بودند که بشقاب حلوا را بزوی آن پیرزن می زدند که بشقاب میشکند در صورتیکه یک زن پیر فقیر همین قدر ایتار داشته باشد و قدر و منزلت این شهید همیشه جاوید را بدانند آیا دیگر مردمی که استدلالا ایتار را داشتند، چقدر رنجور بوده اند.

من به شما گفته میتوانم که تا حالا هم ما فکر میکیم و متأثر هستیم و درد و زخم قلب های ما بهبود نیافته است قلب های ما هنوز مجروح است و ما فعلاً در محنت های سیاسی و در سنگر های مقاومت آن برادر خود را نداریم و جایش را ما نمیتوانیم پر کنیم.

○ شما فکر می کنید در این مقاومتی که به پیروزی رسید نقش مسعود بزرگ چی بود؟

● خوب همه جاها شکست خورده بود، اما، او در پنجشیر بود اینکه بودن و ماندن اوچی نقشی در این مقاومت داشت؟ این سنگ مسئله مسلمی است که اکثریت ولایات افغانستان سقوط کرد و تنها جبهه ای که با مقاومت باقی ماند، جبهه استاد سنگر، جهاد استاد احمد شاه شهید بود. تنها پایگاه امید مردم افغانستان بود که فکر می کردیم روزی از همین پایگاه بر بیگانگانی که وطن ما را اشغال کرده بودند باز قایم آییم و تنها او نقطه امید بود و همان نقطه امید مرجعی بود که همه برادران به هر سنگری می رفتند از مسیر مقاومت ایشان میرفتند، که الحمد الله هرکس از آن مسیر در هر کوه و سنگری که قرار گرفت به پیروزی ها بزرگ رسید و ما خوش هستیم که تا امروز آن جبهه نیز با همان استقرار جهادی خود باقیمانده و اداره میشود و برادران عزیز هستند آن جبهه را اداره می کنند و ما امید واری داریم که سبب خدمات بیشتری بشوند و واقعاً این همه قدر و منزلت استاد سنگر جهاد آقای آمر صاحب شهید را به مردم وانمود می سازد که اگر امروز آن استاد شهید در میان ما حضور نداشت، ایشان برادرانی را امروز به هر صه سیاست کشور تحویل داده اند که می توانند اداره سنگر ها و امور اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شان را مطابق

به نحوه ای که در زمان حیات آمر شهید جریان داشت پیش ببرند. آرزوی ما این است که توفیقات بیشتری خداوند نصیب شان کند. همیشه برادرانی که بطرف آنها رفت و آمد داشتند و باز به هرات آمدند و با نمایندگان شان در ایران تماس داشتند، نوید های آزادی ولایات افغانستان را میدادند، که این نوید های آزادی برای هرات و مجاهدین هرات روحیه بسیار عالی میبخشید، که تمام شکنجه جسمی و روحی ای را که از طالبان میدیدند با شنیدن این مژده ها از یاد می بردند.

○ حاجی میر صاحب! شما به عنوان بزرگ و موسسیدی که سالها در جهاد و مقاومت نقش داشتید، نقش بزرگان وطن مارا در ایجاد صلح و ثبات دایمی در افغانستان چگونه ارزیابی میکنید؟ و پیام و پیشنهاد تان به مردم افغانستان در داخل و خارج وطن چیست؟

● ما امید داریم بزرگان اقوام افغانستان دست به دست یکدیگر بدهند و نفاق را از میان بردارند تا جنگ و برادر کشی پایان گیرد. مردم افغانستان مردم بسیار قهرمان هستند. غیر از اینها هیچ مائی تحمل اینقدر جنگ طولانی را نداشت. تا وقتیکه روس ها در افغانستان بودند، مردم در جهاد مقدس اشتراک داشتند، حالا مردم نمیخواهند جنگ باشد حالا مردم میخواهند صلح و آرامش در کشور شان برقرار باشد و به مسائل فرهنگی و اقتصادی خود درست سر برسند. ببینید چقدر یسودی در افغانستان است که فقط در فضایی صلح و آرامش این جهل و بدبختی از بین خواهد رفت، این خانه جنگی ها و برادر کشی ها را مردم تأیید نمی کنند. ما از تمام بزرگان و دست اندر کارانی که در افغانستان هستند، این آرزو را داریم که آن ها کوشش کنند یک صلح دوامدار در وطن برقرار شود، تا مردم و کشور از این بدبختی ها نجات پیدا کنند. مردم ما چه آنها که در داخل اند و چه در خارج از وطن زندگی می کنند، فقط آرزوی آرامش را دارند. تماشایی که هموطنان ما با هم دارند همه آرزوی صلح در وطن را دارند، تا مردم ما باز سازی کشور خود را شروع کنند، مردم را این جنگ تپا کرد، همه منابع اقتصادی این کشور را از بین بردند. بر بزرگان است که رسالت خود را انجام دهند و اگر این رسالت خود را انجام ندهند، من فکر میکنم به پیشگاه خدا خیلی مسئولیت دارند.

○ جناب حاجی میر صاحب با وجود مصروفیت های زیادی که شما داشتید، وقت تان را برای مصاحبه در اختیار ما گذاشتید. تشکر می کنیم از شما.

از شما تشکر.





# ما تجارب تلخی از گذشته داریم

گزارشگر: نقیب بادغیسی



ای که نامگیر  
آنسان نیز شده  
است اقدام کردند  
ما تجارب تلخی  
از گذشته داریم  
که تمام احزاب از  
آنجا نیکه مبانی و  
مبادی ایجاد  
احزاب در کشور

از لحاظ فرهنگی وجود ندارد و بستر سیاسی اش هنوز مساعد نشده است به این علت احزابی که در افغانستان ایجاد شد در طول سالهای جهاد احزابی بود که قبل از آنکه یک آلتزنا تیف کلی برای همه افغانستان داشته باشد تبدیل شد به احزاب قومی و هر حزب مثل یک قوم بود و بدین علت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تشنج های قومی آغاز شد و خواست و منافع قومی جای منافع ملی را گرفت. امید وارم در این مقطع با تجارب تلخ گذشته که شاهد پیروزی انقلاب را تبدیل به شوکران و زهر نمود در این مقطع با استفاده از آن تجارب با دیدگاه کلان که عبارت از منافع ملی میباشد ما زیر مجموعه های منافع ملی که منافع قومی و سایر منافع محدود است این هارا حل کنیم. من امید وار هستم که چنین شود اما از آنجائی که مبادی فرهنگی چنین بستری وجود ندارد ما باید با تساهل و مدارا به فضا یا بر خورد کنیم. من شخصاً یاور دارم هرکسی که در این وطن زندگی می کند از تمام اقوام شهروند این کشور است و قانون بایستی نسبت به اینها یکسان عمل کند و عدالت نسبت به اینها باید یکسان اجرا شود این خواسته ماست.

و ما آرزو داریم که اسلام، عدالت، و دمو کراسی تبدیل به ساخت شود و پرئسیپ های شناخته شده بین المللی در افغانستان نیز میکائیزمی ایجاد کند که مهمترین این میکائیزم ها- پرئسیپ ها عبارت است از حقوق بشر که هر انسانی که در این جامعه زندگی می کند به صرف انسان بودن حق دارد زندگی کند. حق دارد رای بدهد و حق دارد ابراز عقیده کند. ما در راستای چنین حرکتی تلاش می کنیم و آنچه که امید داریم این است که جامعه ما از بحران بیرون خواهد شد اما نخست ایجاد ساختار سیاسی و درچارچوب آن توسعه سیاسی اقتصادی معنا پیدا میکند که انشاء الله با یاری شما فرهنگیان و سایر شخصیت های علمی امید وارم این تجربه سخت که در این دولتی را در اینجا با مردم و بالعکس چگونه ارزیابی می کنید در جهت ایجاد یک میکائیزم و ساختار دولتی ای که بتواند به خواست های مردم جوابگو باشد؟

● طوریکه شما شاهدید می بینید که در اثر ظلم و بیداد و

مصاحبه با عبدالغفور آرزو یکتا از اندیشمندان افغان:

○ جناب آقای آرزو! طوریکه ما خبر داریم امروز جلسه ای تشکیل شده بود از طرف مقامات در هرات و در رأس جلسه امیر صاحب اسماعیل خان بودند که شما هم حضور داشتید، اگر تصامیمی اتخاذ کردند پیرامون موضوعات مطرح بما معلومات بدهید خوش میشویم!

● با تشکر از شما و همه دست اندر کاران مجله وزین سپین که بدون شک یکی از مجله های ماندگار که سیاست فرهنگی پویا را دنبال میکند مجله سپین است خدمت شما عرض کنم ما در دیار هجرت زمانیکه امیر صاحب در ایران تشریف داشتند کار های مقدماتی را ما انجام میدادیم بنام شورای مشورتی حوزه جنوب غرب برنامه ریز کار ها بودیم تا تحولی که در آستانه وقوع بود و پیش بینی میشد تحول آغاز می شود و طالبان در آستانه فرو پاشی قرار دارد، آمادگی هایی گرفته بودیم برای ایجاد یک ساختار، ساختاری که بتواند امنیت، قانون و عدالت را در کشور گسترش بدهد. ساختاریکه دیدگاه کلان داشته باشد و بر استقلال سیاسی، امنیت ملی و رفاه اقتصادی کشور بیندیشد امروز با جمعی از برادران که با هم به هرات آمده بودند مدتی پس از آزادی هرات توسط مردم، با امیر صاحب دیداری داشتیم و روی همین که چگونه ساختار اداری و اینکه چگونه برنامه های کلان تدوین شود صحبتی کردیم که امیر صاحب تفاهم نمودند که ما شورای ولایتی هرات را بسازیم که بتواند مثل اراده و رای جمعی مردم این منطقه باشد و در ایجاد ساختار های اداری و طرح کلانی که به نجات کشور انشاء الله بانجامد به عنوان قسمتی از کشور، عضوی از کشور این دیدگاه ها تدوین بشود. برای ایجاد این شورای ولایتی مقدمات کمسیون کاری انتخاب شد که بزودی شروع بکار میکند که انشاء الله دست آوردهایی بزودی خواهد داشت.

○ با تشکر از شما! اگر شما منجیت کار شناس و تحلیلگری که عملاً در صحنه وقایع و تحولات افغانستان طی دوسه دهه حضور داشتید شرایط و موقعیت های فعلی ای را که دست داده برای مردم و مجاهدین افغانستان چگونه ارزیابی میکنید؟

● گرچه از اصول مسلم جامعه شناسی و سیاسی و دیدگاه کلان کلامی این است که هرگاه ما ازارش ها دور باشیم بحران ایجاد می شود و هرگاه بحران با تدبیر باز نشود تبدیل به فاجعه می شود و این آزمون سخت و درد ناک را ما تکرار کردیم که جامعه ما دچار یک فاجعه شد. فاجعه ای که ابعاد بین المللی پیدا کرد و سر انجام بحران جهانی ایجاد شد و امروز جامعه جهانی برای رفع فاجعه مرحله گذار تجربه عالی داشته باشیم.

○ یک عالم تشکر، بر میگردیم به مسایل هرات، شما وضعیت عمومی هرات را از لحاظ امنیتی و یا یک دایره وسیع تر در حوزه جنوب غرب کشور چگونه ارزیابی میکنید و پیوند مقامات



احیاء و حاکمیت سیاهی و تاجر مردم قیام کردند قبل از آنکه مجاهدین به حومه شهر هرات نزدیک بشوند بر اثر یک رستاخیز ایملی سرشار از عشق مردم قیام کردند و طالبان را از حوزه هرات باستان بیرون انداختند بناءً حضور مردم در صحنه مارا امید وار می سازد به این معنا که یک ساختاری بوجود میاید که پاسخگوی این حرکت عالی مردمی باشد اگر بگویم که این حرکت هرات در بیرون رفتن طالبان و در هم شکستادن نظام کیلی و تاجر طالبان یک حماسه بزرگ و بی نظیر است شاید میالغه نگرده باشم مردم با خشم به میدان آمدند و شهر را تسخیر کردند و شکفت اینکه هرگز و هرگز فاجعه های بزرگی که در پیآمد قیام های بدون رهبری در سایر کشور ها ایجاد شده این پیامد ها را هرگز در حوزه جنوب غرب نداشتیم امنیت آهسته-آهسته به شهر باز میگردد مردم در صحنه حضور دارند مردم نقش و رسالت خود را ایفا کردند حالا بزرگان جامعه مسئولین اداری این بخش وطن بایستی در برابر خواست های برحق مردم متواضعانه زانو بزنند و عدالت را به معنای واقعی کلمه در تمام ساحات اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی بگسترانند. فرهنگیان این شهر طوری که شما در انجمن ادبی هرات دیدید آمادگی دارند دوکتوران و انجمنیان و بالاخره علم و خاص این شهر آمادگی این را دارند که انشاءالله در جهت بحران

زبانی از سراسر افغانستان عزیز و در جهت ساختن میکانیزم یاری و همکاری داشته باشند.

○ میخشد استاد: سؤال ها زیاد است اما میخواستیم بصورت مختصر پیامی اگر داشته باشید شما به عنوان یک صاحب نظر در شرایط کنونی وطن، که فرهنگیان ما تا جاییکه می شنویم گرایشات مختلف دارند!

● خداوند به حضرت پیغمبر وحی میکند و ایشان دعا میکند که «خدايا واقعیت را آنچنان که هست بما بنما» باید واقعیت را ببینیم واقعیت را آنچنان که هست و خواست سیاسی را حد اقلی بسازیم. یعنی ما اگر این جامعه بحران زده را از بحران نجات بدهیم تمامیت ارضی افغانستان حفظ یماند و یک ساختار سیاسی که امنیت را در وطن تأمین کند ایجاد بگردد ما باید از خواست ها حداکثری دست برداریم و به این شیوه ما میتوانیم انشاء... کاری بکنیم که کارستان باشد یعنی ایجاد یک میکانیزمی که ویژگی های مدنی عصر جدید را در خود داشته باشد.

○ تشکر از شما-

تشکر از شما امید داریم در افغانستان آباد، آزاد زندگی خوبی داشته باشیم

## آینده مطبوعات به طور کل بسیار درخشان است

### گفتگو با آقای قوی کوشان سردیر هفته نامه (امید)

زیارت کنیم

در مورد اهداف هفته نامه امید باید بگویم که تقریباً سارچ سال ۱۹۹۲ بود، یعنی نزدیک شکست و عقب نشینی کامل قوای شوروی از افغانستان و رژیمه آمدن حکومت مجاهدین و من در آن وقت در شمال کپورنیا مجله نوامه ای چاپ می کردم بنام (نامه خراسان) بعد از خوانندگان و هموطنان اینطور دریافت کردم و برداشت نمودم که انتظار دارند به جای دوماه حال که خبر های وطن بسیار ناخ می شود بتوانم یک مقدار اخبار موثق را جمع کنم و در مدت زمان کوتاه در اختیار هموطنان بگذارم. همین محرک بود که شروع کردم در ۲۷/۱۹۹۲ به چاپ نخستین شماره هفته نامه امید و هدف همان طوریکه عرض کردم یعنی خدمت و خبر رسانی با مسئولیت به هموطنان بود در خارج و همچنان همان مقدار کاری که در نامه خراسان انجام دادم و مسئولش بودم بیشتر در مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شترائی داشتم همان را بصورت هفته وار در هفته نامه امید آوردیم

○ با عرض

خوش آمد به فضای دور از جنگ در کشور ما، خواهش می کنیم که مختصری در مورد جریده امید، اهداف جریده و همچنان اگر ممکن باشد سابقه فرهنگی مطبوعاتی خود تان برای خواننده گان مجله میهن صحبت



نماینده

◆ من هم با عرض سلام به شما و همه همکاران مجله میهن اظهار خوشحالی می کنم که در افغانستان آزاد و کابلی آزادی در فضای امن الحمد لله هموطنانم را که در خارج از کشور مسرور می دیدم اکنون موفق شدیم در داخل وطن در پایتخت میهن آن هارا



های بسیار وطن دوست داشتیم که همیشه کار های بسیار زیادی کردند انجمن های ادبی مختلف بنام شخصیت های بسیار بزرگ خراسان زمین ایجاد کرده بودند. این در داخل و همچنان در خارج و در مراکز اناری جهاد در ایران و پاکستان فعالیت های فرهنگی بود که هر کدامش در حد خودش مؤثر بود و همچنان خارج از این ساحه ها در مجموع یک مقدار پیش زمینه هایی وجود دارد و یک مقدار چیز هایی را یاد گرفتند که میتوانند به بسیار خوبی آن ها را با هم تلفیق کنند. ما در طول این ایام در پشاور و در داخل بصورت کل شمال - شرق افغانستان و همچنان در غرب افغانستان و همچنان در شمال و در تاجکستان و حتی ازبکستان ما فرهنگی هایی را داشتیم که هر کدام مجلات نشر می کردند، فیلمهایی تهیه کرده اند، نشریه هایی داشتند بصورت کل هر کدام تجربه های متفاوت داریم، یا شرایط مختلف، انشالله اگر بتوانیم با فرهنگی هایی که فعلاً در داخل هستند یعنی هنوز مانده اند همه واقعاً سرمایه های کشور عزیز ما اند، و اگر دست به دست هم بدهیم و از این تجارب یک تلفیق بوجود بیاوریم من گمان می کنم بسیار کار خوبی خواهد شد که با غنای فرهنگی ماضی افزایش و من واقعاً بسیار امید وار هستم که مادر این زمینه بتوانیم همه افغان هایی که در خارج بودند و هموطنان داخل بتوانیم همه در این زمینه کارهای خوبی داشته باشیم.

و از سوابق من فرمودید اصلاً رشته من علوم سیاسی است و در دانشگاه تهران تحصیل کرده ام و فوق لیسانس دارم.

○ شما به حیطه یک فرهنگی، احساس تان با توجه به تحولات اخیر و این برهه حساس تاریخ افغانستان چیست، نظر تان را می خواهم بیان کنید.

◆ همان طوریکه فرمودید فضا و احوال امروزی وطن، بخصوص دوسه هفته اخیر واقعاً امید و آرمان مردم ما در ریشه کن شدن تمام فجایع و میناهای جنگ و برگشت صلح بود که حتماً اولین نتیجه اش برگشت آرامش و امنیت است که این را به همه هموطنان تبریک می گویم و آینده بهتر را برای آنان آرزو دارم.

○ قسمی که ما می دانیم در اثر طولانی شدن جنگ، ما با انواع تخریبات مواجه هستیم که بازسازی عمرانی و فرهنگی را نیاز مند هستیم، در آینده انشالله شما برای باز سازی فرهنگی جامعه جنگ زده افغانستان چی پیشنهاداتی دارید و باید از کجا آغاز کرد؟

◆ در زمینه فرهنگی در طول ایام جهاد با شکوه ملت افغانستان در مقابل اشغال قوای سرخ و حتی ایام تجاوز پاکستان و آوردن طالبان تا امروز من فکر می کنم در طول همین ۲۲ سال یک دهه اولش زمینه های رشد فرهنگی در افغانستان بخصوص در آخرین ایامش واقعاً در همه جای ما میسر بود و ما نمونه هایش را می دیدیم که در بین فرهنگیان آن زمان (اواخر نجیب الله عرض می کنم) اشخاص روشن فکر و یا نویسنده ها و یا در مجموع فرهنگی

## مسئولین هرگز نخواسته اند با فرهنگ آشتی کنند

مصاحبه با احمد سعید حقیقی - نویسنده توانا و رئیس انجمن ادبی هرات

○ جناب آقای احمد سعید حقیقی اگر از خودتان بگویید از تحصیلات و کارها... خوش می شویم.

● همانطوریکه که فرمودید احمد سعید حقیقی هستم در سال ۱۳۴۵ در هرات متولد شدم دوره ابتدایی را در همین شهر و دوره لیسه را در حبیبیه کابل به پایان بردم بعداً وارد پوهنتن زبان و ادبیات پوهنتون کابل شدم. با ختم آن دوره موقعیتی ایجاد شد و برای گرفتن ماستیری از یک بورس

اساس گذاشتم و تا یکساله که به تشرات خود ادامه می داد و در همین شهر چاپ می شد. مدیریت مسؤول آن خودم بودم فعلاً هم مسوولیت انجمن ادبی هرات بدوش من است و کارهایی که در همین حیطه اجرا می شود.

○ تشکر، بفرمایید بگویید انجمن ادبی هرات چی وقت تاسیس شد و حالا بخش های مختلف دارد اگر در مورد کار انجمن توضیحی بدهید خوش می شویم.

تحصیلی روسیه استفاده کردم و مدتی بخاطر ادامه تحصیل در روسیه بودم و ماستری را از آن کشور گرفتم. بعداً که به کشور بازگشتم به کارهای مطبوعاتی بیشتر مصروف بودم با روزنامه ها و مجلات کابل همکاری داشتم بعد از پیروزی جهاد افغانستان اولین ماموریت رسمی من آغاز می شود. در آژانس باختر کابل - بعداً در سواد آموزی در مجله سواد و بعدتر به هرات آمدم و در هرات مدیریت مسوول مجله هفت قلم را توشتم که خود آن را



● انجمن ادبی هرات منبسط یک

تهاد فرهنگي در سال ۱۳۰۹ با هست و تلاش و پشتکار فرهنگيان هرات اساس گذاشته شد. بیشتر به این خاطر که به کار ادبی هرات سمت و سویی بدهند و فرهنگيان هرات جایگاهی برای جمع شدن داشته باشند. بعداً این انجمن توانست که یک مجله هم داشته باشد که بکار نشراتی خود با فراز و نشیب‌هایی ادامه دهد. البته خود انجمن نیز با فراز و نشیب‌هایی در حیات ۸ ساله خود مواجه بود. گاهی دروازه اش باز بوده، گاهی بسته بوده و گاهی هم با رکو، دهای مادی مواجه شده است. اما یک حرف اساسی وجود دارد که انجمن در ذهن تمام هراتی‌ها همیشه زنده بوده و هراتی‌ها خواستار این بودند که این کانون فرهنگی شان همیشه فعال باشد. ما توانستیم با احیای مجدد آن در دو سال قبل کارهای جدیدی را در عرصه ادبیات در این خطه آغاز بکنیم. آنچه را که تا امروز تجربه نکرده بود برای اولین شعبات مختلف شعر، داستان، نقد و پژوهش، ادبیات کانون جوانان و کانون خود هرات که همگی در راستای فعالیت‌هایی داشتند واقعاً نتایج بسیار مؤثری یا خود داشته‌اند.

مخالل متعددی هم در رابطه با شعر و داستان و نقد و پژوهش در سیستم ما برای اولین بار توانستیم نشریه‌ای را به مدت ۱۵ روز و بعداً ماهواره به نام اورنگ هشتم چاپ می‌شود. در بخش کودک و نوجوانان نشریه‌ای بنام کودک پی ریزی شد که تا امروز ۸ شماره از آن چاپ شده است علاوه بر آنها بخش خانم‌ها فعال بوده و می‌توانم بگویم فعال‌ترین بخش داستان نویسی هرات بخوش خانم‌ها و نویسندگان زن هرات بوده است. در مجموع انجمن ادبی اگر فعالیت‌های گسترده‌ای انجام نداده، اما در فعال بودن همین عرصه گام‌هایی را



برداشته است، حداقل چراغ فرهنگ و عضویت را در همان دوره سیاه و نکبت باز گذاشته به خاموشی گردید حداقل فرهنگیان ما جایی داشتند تا در آن جمع شوند و پیرامون آثارشان صحبت کنند.

○ تشکر، حقیقی صاحب: یک مساله دیگر اینکه شما کارهایی را که در انجمن ادبی شروع کردید، همیشه از لحاظ امکانات مادی شما به مشکل بودید حتی از لحاظ سیاسی در جوی که پر از اختناق سیاسی مطالبان بود شما بهترین فعالیت‌های فرهنگی را انجام دادید از این جهت باید به شما آفرین و دست میرزاد گفت. در فضای جدید که بازتر خواهد بود و امیدواریم فعالیت‌های فرهنگی در هرات و در همه گوشه‌های کشور قوت بیشتری بگیرد، شما خواستتان از مسوولین در رابطه با غنابخشی فرهنگ کشور چی است؟

● یک مشکلی اینجا ما داریم که

فرهنگیان ما فکر می‌کنند دور بودن قدرت از فرهنگ و بدون پشتوانه فرهنگ همیشه در اینجا مطرح بوده است و مسوولین هرگز نخواستند اند با فرهنگ آشتی کنند. این مشکل در اینجا بوده و شاید در تمام افغانستان بوده است.

قدرت حرکت خاص خود را داشته است و فرهنگ دیگری و هرگز این دو در پهلوی هم - همیاری و همکاری نداشتند و بیشتر شکل کشور نیز از این ناحیه سرچشمه میگیرد. بیایید که اینبار فرصتی را که بدست آمده از دست ندهیم و سیاست را با فرهنگ توانمان بسازیم.

و اکنون که لازم است برای بازسازی و شگوفایی افغانستان در همه عرصه‌ها بخصوص عرصه فرهنگی که واقعاً کاری نشده توجه کنیم من امیدوارم که مسوولین ما در این رابطه سخت بی‌اندیشند و نگارند که مسائل فرهنگی در انزوا بماند بگذارند که کثرت آراء وجود داشته باشد. بگذارند که پلورالیزم سیاسی در پهلوی پلورالیزم دینی و در پهلوی پلورالیزم ادبی قد بیافرازد و این‌ها همدیگر را تحمل کنند به نوعی تسامح و تساهل برسیم نوعی قانونیت و مدنیت را تجربه بکنیم و در نهایت از طریق فرهنگ خود بتوانیم حرفی برای آینده داشته باشیم. حرفی در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشیم.

○ تشکر بسیار زیاد، حقیقی صاحب. در آخر اگر پیامی داشته باشید خصوصاً برای فرهنگیان افغانستان آن فرهنگستانی که شاید تحت شرایط خاصی گرایش‌های مذهبی، قومی، محلی و... داشته باشند. به عنوان یک فرهنگی افغان در جهت مبارزه با این حیانات ننگ‌نظری‌ها و ایجاد زمینه‌های بیشتر وحدت ملی چیست؟

